

نگاهی به کتاب

ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی

محمدحسین بوچانی



○ ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی
○ تألیف: دکتر محمدعلی احمدیان
○ ناشر: انتشارات سخن گستر، ۱۳۸۲، ۱۸۴ ص، ۹۸۰ تومان

کارآمدی یا ناکارآمدی روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن کشورها را برای سیاستمداران، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و نظایر آنها مشخص نماید.

در فصل اول کتاب، قلمرو جهان اسلام و واحدهای سیاسی مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفته است.

محدوده مورد مطالعه کتاب شامل مناطق جغرافیایی شمال آفریقا، منطقه جنوب غرب و غرب آسیا، منطقه آسیای مرکزی، منطقه جنوب و جنوب شرق آسیا و جنوب شرقی اروپا است.

قلمرو ایدئولوژی اسلامی از قرن اول هجری به بعد سیر تحول تاریخی متفاوتی را پشت سر گذاشته است. قرن اول هجری همراه با بیشترین گسترش مرزهای جغرافیایی برای مسلمانان بود، به طوری که تا قبل از پایان این قرن مسلمانان توانستند از شمال غرب خود را به مراکش و الجزایر کنونی که زیر سلطه روم شرقی قرار داشت برسانند. همچنین در قرن اول هجری شمال آفریقا، بین‌النهرین، فلات ایران، آسیای مرکزی و تمامی شبه جزیره عربستان ضمیمه قلمرو اسلام شد.

در طول قرن دوم هجری، از جانب شرق مرزهای قلمرو اسلام تا ماوراءالنهر و افغانستان و رودخانه سند و از سوی غرب تا اسپانیا و مرکز فرانسه کنونی گسترش یافت. درگیری با مسیحیان، اختلافات درونی و تضعیف حکومت‌های اسلامی ویژگی‌های قرون بعدی سرزمین‌های اسلامی است. فصل نخست تغییر و تحولات مرزهای جغرافیایی کشورهای اسلامی را به صورت کلی مورد توجه قرار داده است.

در این فصل درصد جمعیت مسلمانان نسبت به کل جمعیت جهان و مساحت ۲۶ کشور مورد مطالعه کتاب در جدولی به صورت مشخص معرفی شده است.

نویسنده در فصل دوم کتاب به تاریخ تحول واحدهای سیاسی و دولت در جهان اسلام می‌پردازد که نقطه شروع این تحول از تشکیل امپراتوری عثمانی است. در ادامه با بررسی تشکیل دولت‌های جدید در جهان اسلام، نویسنده به زمینه‌های شکل‌گیری و استقلال کشورهای اسلامی در

جغرافیای کشورهای اسلامی عنوان بسیار گسترده‌ای است که در پی توصیف، بررسی، تحلیل و تبیین شرایط جغرافیایی سرزمین‌های اسلامی است. فضای جغرافیایی کشورهای اسلامی شامل محدوده بسیار گسترده‌ای می‌شود که بخش وسیع آن در قاره‌های آسیا و آفریقا قرار گرفته است. گستردگی محدوده جغرافیایی و تنوع شرایط تاریخی و گوناگونی ویژگی‌های محیطی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و جز اینها، تحقیق درباره این موضوع را مستلزم استفاده از نگرشی نظام‌مند به مسئله می‌کند.

کتاب ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی، تألیف دکتر محمدعلی احمدیان، توصیف و تحلیل کلی از شرایط جغرافیایی کشورهای اسلامی است. کتاب علاوه بر مقدمه، در دوازده فصل به رشته تحریر در آمده است.

در این کتاب مراد مؤلف از کشورهای اسلامی، کشورهایی است که بیش از ۷۵ درصد جمعیت آنها مسلمان بوده و در کل شامل ۳۵ کشور می‌گردد. (به استثنای کشور سودان که ۷۳ درصد جمعیت آن مسلمان است.) اصولاً ضرورت مطالعه کشورهای اسلامی توسط جغرافیدانان به موارد گوناگون بازمی‌گردد. از جمله اینکه شناخت مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جغرافیایی کشورهای اسلامی در موضع‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و در شکل‌گیری روابط منطقه‌ای و جهانی برای کشور ما و کشورهای اسلامی ارزشمند است. همچنین وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی به دلیل وابسته بودن به اقتصاد زیرزمینی، «رانتی»، اهمیت فراوانی در راهبردهای آنها برای توسعه اقتصادی دارد و اینکه تحولات سیاسی و جمعیتی در کشورهای اسلامی در اوضاع سیاسی، اجتماعی مسئله‌برانگیز است. این محدوده از فضای جغرافیایی کره زمین در بستر تاریخی خود تحولات گسترده و عمیقی را تجربه کرده است. حتی در قرن ۲۱ نیز این تحولات همچنان با توجه به بستر تاریخی و محیط جغرافیایی بحث برانگیز و مسئله‌دار است. بنابراین در چنین شرایطی در اقتصاد سیاسی جهان قطب‌بندی‌های گوناگونی از جمله توسعه یافته و توسعه نیافته، اروپای واحد و جنوب شرق آسیا و غیره به شدت شکل گرفته است. مطالعات بنیادی درباره کشورهای اسلامی می‌تواند زمینه و بستر

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
مهر
۱۳۸۲



قرن‌های ۱۸ و ۱۹ توجه نموده است.

به عقیده مؤلف روند تحولات اجتماعی - سیاسی و افزایش سطح آگاهی و جریانات روشنگری و عواملی از این قبیل مانع استمرار استعمار و شرایط وابستگی و تحت‌الحمایگی کشورهای اسلامی گردید. علاوه بر این ضعیف شدن کشورهای استعمارگر در جنگ جهانی دوم حس استقلال‌طلبی و ملی‌گرایی را در کشورهای اسلامی تشدید نمود.

فصل سوم با عنوان مناطق و مناظر توپوگرافیک جهان اسلام، به توصیف ویژگی‌های توپوگرافیک و ناهمواری‌های کشورهای اسلامی اختصاص دارد.

ویژگی‌های اقلیمی در جهان اسلام، عنوان فصل بعدی کتاب است. دکتر احمدیان در این قسمت نخست محدوده مورد مطالعه را به دو قسمت تقسیم کرده، سپس به اجمال دو نوع آب و هوای آن محدوده را مورد بررسی قرار داده است:

(۱) قلمرو اقلیم خشک

(۲) قلمرو اقلیم استوایی

در فصل سوم و چهارم محدودیت‌های محیطی به عنوان یکی از ویژگی‌های محیط جغرافیایی کشورهای اسلامی در نظر گرفته شده است.

موضوع در فصل پنجم، بنیادهای زیستی و بحران‌های زیست محیطی در جهان اسلام است. در این فصل منابع آب، خاک و مشکلات زیست‌محیطی در جهان اسلام و در دریای خزر و دریای آرال، آلودگی محیط زیست در قزاقستان و در نهایت کمبود و بحران آب در محدوده مورد مطالعه

به عقیده دکتر احمدیان، روند تحولات اجتماعی - سیاسی و افزایش سطح آگاهی و جریانات روشنگری و عواملی از این قبیل مانع استمرار استعمار و شرایط وابستگی و تحت‌الحمایگی کشورهای اسلامی گردید

تشریح می‌شود. به باور نویسنده تغییر الگوی مصرف آب و استفاده بهینه از منابع موجود، ضرورت انکارناپذیری است که افزایش جمعیت بر اهمیت آن می‌افزاید.

ویژگی‌های جمعیتی در جهان اسلام عنوان فصل ششم کتاب است. در این فصل موضوعاتی چون تعداد، توزیع و ترکیب جمعیت مسلمانان جهان؛

میزان افزایش و زمان دو برابر شدن آن؛ مسایل مربوط به امید به زندگی، آموزش و بهداشت و درمان مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده در پایان این فصل نتیجه می‌گیرد که چنانچه کشورهای اسلامی در جهت بهره‌برداری از منابع طبیعی و رونق اقتصادی تلاش نمایند، جمعیت فراوان آنها به پشتوانه‌ای برای تحقق رشد اقتصادی آنها تبدیل خواهد شد، در غیر این صورت جمعیت زیاد بر بار هزینه‌های دولت افزوده و مشکلات اقتصادی - اجتماعی متعددی را ایجاد خواهد کرد.

فصل هفتم به مسایل شهری و روستایی در جهان اسلام اختصاص دارد. نویسنده در این فصل به بررسی ویژگی‌های تحول تاریخی شهرهای اسلامی در عصر حاضر و رابطه شهر و روستا در قرون اولیه اسلامی و نیز در عصر جدید می‌پردازد.

شهر اسلامی دارای شاخصه‌های خاصی همچون وجود مسجد، بازار و محله‌های مسکونی «با ویژگی بدون جدایی‌گزینی» است.

همچنین بستر تاریخی فضای جغرافیایی کشورهای اسلامی دارای مشخصه‌های متفاوتی است که به تناسب شرایط اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، موجب گوناگونی کالبدی و فضایی شهرها در این کشورها شده است. مسایل اقتصادی جهان اسلام عنوان فصل هشتم کتاب است. در این

بستر تاریخی فضای جغرافیایی کشورهای اسلامی دارای مشخصه‌های متفاوتی است که به تناسب شرایط اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، موجب گوناگونی کالبدی و فضایی شهرها در این کشورها شده است

در فصل دهم کتاب «ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی» فرض بر این است که از دیدگاه جغرافیایی کلیه بحران‌های سیاسی دارای منشأ سرزمینی بوده و از علل تاریخی و جغرافیایی خاصی سرچشمه می‌گیرند

ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی را در بعد جهانی مطرح نمود. از جمله این رویدادها می‌توان به کشف منابع نفت و گاز و باز شدن دروازه‌های آسیای مرکزی «به لحاظ اقتصادی» و جریان استقلال طلبی در کشورهای زیرسلطه و وقوع انقلاب‌ها و رهایی از استعمار و بهم خوردن موازنه قوا «به لحاظ سیاسی» اشاره نمود. ولی آنچه در نقشه جغرافیایی کشورهای اسلامی در بعضی از کشورها وجود دارد، ارزش موقعیت مکانی در کره زمین است که این اهمیت سوق الجیشی آن کشورها را در موقعیت ژئواستراتژیک جهانی قرار داده است.

در این فصل با اشاره به مناطق ژئوپلیتیک مانند خلیج فارس، تنگه هرمز، باب المندب و کانال سوئز به موقعیت ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی اشاره شده است.

فصل آخر کتاب به بررسی انقلاب اسلامی و تأثیر آن در دیگر کشورهای اسلامی اختصاص دارد.

به طور کلی مؤلف هدف از تلاش جامع تألیف این کتاب را تهیه منبع اصلی برای درس دو واحدی دوره کارشناسی جغرافیا با عنوان «ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی» ذکر می‌کند و طبق تأیید گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد، این کتاب به عنوان منبع اصلی این دو واحد درسی شناخته شده است. بنابراین مؤلف بر طبق سرفصل‌های این دو واحد سعی در تدوین مطالب کتاب نموده است. ولی به نظر می‌رسد که عنوان کتاب کلی‌تر از مفاهیم و مطالب تدوین شده باشد.

بنابراین بهتر است که با اضافه کردن کلمه «کلی» به عنوان کتاب (ویژگی‌های کلی جغرافیای کشورهای اسلامی) عنوان را با محتوای کتاب هماهنگ نمود.

همچنین شایسته بود که نویسنده در تبیین مفاهیم و عنوان‌ها و دسته‌بندی ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی، این ویژگی‌های جغرافیایی را به دو بخش ویژگی‌های جغرافیای انسانی و جغرافیای طبیعی تقسیم می‌کرد.

در فصل اول کتاب تعریفی از جهان اسلام ارائه شده است که با کمی دقت روشن می‌شود که جامع و مانع نیست. تعریف چنین است: «جهان اسلام» به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که از سواحل شمال غربی قاره آفریقا تا مجمع‌الجزایر اندونزی در جنوب شرقی آسیا امتداد یافته است. در حالی که مناطق مسلمان‌نشین دیگری در اروپا و اروپای مرکزی و دیگر نقاط کره زمین وجود دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که تعریف دقیق از مفهوم جغرافیایی برای جهان اسلام در هر صورت ناقص باشد، چرا که نمی‌تواند تمام پارامترها و شاخص‌های کشورهای اسلامی را در بر گیرد.

کتاب در ۱۸۴ صفحه و با استفاده از ۱۱۵ منبع فارسی و ۱۰ منبع لاتین تدوین شده است.

فصل فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی با توجه به شاخص‌های تولید ناخالص ملی و نرخ رشد سالیانه تحلیل شده است. با وجود اینکه ساختار اقتصادی کشورهای اسلامی در مقایسه با هم بسیار متفاوت است، ولی در مجموع بیشتر آنها صادرکننده منابع طبیعی هستند. دومین ویژگی ساختار اقتصادی این کشورها تکیه بر محصولات کشاورزی است، به طوری که ۱۹ درصد تولید ملی در کشورهای اسلامی از این بخش اقتصادی است و در مقایسه با میانگین جهانی حدود ۵ درصد، بسیار بالا است.

مؤلف در این فصل با استناد به برخی فرضیه‌هایی که در سال‌های اخیر رد شده‌اند، به نتایجی دست می‌یابد که چندان قابل قبول نیستند. از جمله اینکه وی افزایش شدید جمعیت شهری و مهاجرت‌های روستاییان به شهرها را عامل کاهش تولید و انبوه مصرف‌کنندگان بیان می‌کند، ولی با بررسی میزان تولید عکس این فرضیه ثابت شده است. یعنی اینکه امروزه شهرها و شهرنشینی خود عاملی مثبت در تولید اقتصادی‌اند نه در مصرف انبوه.

جغرافیای سیاسی جهان اسلام عنوان فصل نهم تألیف است. در این فصل تنوع ساختار حکومتی مرزهای سیاسی و اختلافات اراضی، تشکل‌های منطقه‌ای مثل سازمان کنفرانس اسلامی (organization of Islamic countries) و بانک توسعه اسلامی (Islamic Development Bank) و سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO)، بازار مشترک اسلامی و شورای همکاری خلیج فارس تحلیل و بررسی شده است.

بنابراین به باور نویسنده کتاب، افزایش همکاری‌های اقتصادی به جای کنش‌های سیاسی می‌تواند زمینه‌های مساعدی برای سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای اسلامی فراهم آورد تا در این زمینه به تبادل بازرگانی و ارائه فرصت‌های تجاری بپردازند. اما این امر مستلزم درک فضای جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی توسط دولتمردان در این کشورهاست.

فصل دهم به تحلیل و معرفی مناطق بحرانی جهان اسلام از حیث نظامی و سیاسی اختصاص دارد. در این فصل فرض بر این است که از دیدگاه جغرافیایی کلیه بحران‌های سیاسی دارای منشأ سرزمینی بوده و از علل تاریخی و جغرافیایی خاصی سرچشمه می‌گیرند.

به عقیده نویسنده کشورهای اسلامی به چند دلیل کانون بحران‌های جهانی را تشکیل می‌دهند که از جمله این دلایل به وجود ابهام و اختلاف نظر در خطوط مرزی، تفرقه افکنی کشورهای استعمارگر و به طور کلی اختلافات کشورهای اسلامی اشاره می‌نماید.

در پایان این فصل نتیجه گرفته می‌شود که در حال حاضر کشورهای اسلامی دچار اختلافات و کشمکش‌های متعددی هستند.

عنوان فصل یازدهم، مسایل ژئوپلیتیکی و مناطق استراتژیک در جهان اسلام است. رویدادهای قرن بیستم، به خصوص نیمه دوم این قرن، اهمیت